

معرفی کتاب

تمام آن چه ندارم

نگاهی به کتاب «فاتحه‌ای در کمین یک سکنه» سروده محمد دانشور

حیدر کاسبی؛ «فاتحه‌ای در کمین یک سکنه» اولین کتاب محمد دانشور است که تابستان امسال، انتشارات «آردامن» منتشر کرده است.

این کتاب ۱۱۲ صفحه و ۵۳ غزل دارد که شعرهای ۱۵ سال اخیر دانشور را در برمی گیرد.

محمد دانشور با این که شاعر فعالی است و علاوه بر غزل شعر نو هم می‌سراید اما احتمالاً به دلیل گزیده نویسی و وسواسی که دارد کمی دیر و در میان سالی اولین کتابش را منتشر کرده است.

جهان بینی متفاوت

در نگاه اول شاید اولین چیزی که توجه مخاطبان این کتاب را به خود جلب کند، زبان شعرها و نوع نگاه متفاوت شاعر به جهان پیرامون باشد.

«از سیم خاردار محال است بگذرد

بادی که لایه‌لای سکوتش صدای توست...»

از همین تک بیت می‌شود بر داشت کرد که با شاعری نسبتاً فرم‌گرا و مدرن روبه‌رو هستیم.

شاعری که «سیم خار دار» از شعرش بیرون نمی‌زند و می‌تواند حتی از خشونت سیم‌های خار دار هم شعر ی لطیف بیرون بکشد، حتماً دایره واژگان محدودی ندارد.

و اما در مصرع دوم است که سطح زبان ارتقا می‌یابد تا آن جا که حتی تصویر صدا هم در ذهن مخاطب شکل می‌بندد و شاعر با گیر انداختن صدا پشت سیم‌ها دست به یک آشنایی ز دایی زده است.

محمد دانشور جزو آن دسته از غزل سراهایی ست که پتانسیل این را دارد که شعر سپید هم بنویسد، چرا که علاوه بر این که دایره‌واژگانی وسیعی دارد نگاهش نیز بیشتر از آن که سنتی باشد نو به‌روز است:

«اغلب ز مستان بود؛ پاییزش بهار م بود / از سر و گرمش می‌چشیدم روز گار م بود / یک احتمال دور بود و دیر پیش آمد / یک در صد از یک در صد از یک در هزار م بود...»

نگاه و زبان مدرن

علاوه بر نگاه مدرن، زبان شعر هانیز در کتاب «فاتحه‌ای در کمین یک سکنه» مدرن و نو و حتی گاهی پست مدرن است.

یکی از دشوارترین کارها در ادبیات کلاسیک برای شاعرانی که در روز گار ما غزل می‌سرایند شاید همین سرودن غزل با زبان مدرن باشد. از همین روست که در میان این همه غزل سرا که امروز به سرودن شعر کلاسیک اصرار دارند تنها تعداد کمی با اقبال روبه‌رو می‌شوند.

دانشور را می‌توان جزو غزل سراهایی دانست که با توجه به نگاه و زبان مدرنش قابلیت این را دارد که کتاب‌هایش خوانده شوند و به چاپ های متعدد برسند:

«ای نقطه تقابل بین من و جهان / مبنای مهر و قهر و دلم با جهانیان / ای اشتباه محض من! / ای مطلقاً در ست! / حالا که پر سشت شده‌ام پاسخم بمان! / ای بی‌محل به هر چه که‌ای کاش داشتیم / ای باتمام آنچه که داریم مهربان! / من با تو سیر می‌شوم از هر چه غیر توست / زیباترین دلیل گذشتن از آب و نان! / فیروزه‌ای، سیاه، کدر، روز، شب، غروب / هر جور هست چالش خوبی ست آسمان...»

معتمدی‌به((خنیا شهر))پیوست

محمد معتمدی، خواننده برجسته موسیقی سنتی ایران، به پروژه مستقل «خنیا شهر» پیوست. این رویداد هنری که با هدف تلفیق موسیقی نواحی ایران و موسیقی معاصر شکل گرفته است، نغمه‌های محلی را با تنظیمی نو و صدای خوانندگانی توانمند به مخاطبان می‌رساند. معتمدی در بخش موسیقی خراسان حضور دارد و متین مرعشی به‌عنوان استعداد نوظهور در «خنیا شهر» شناخته می‌شود.
مبین درپور نیز از دیگر خوانندگان نوجوان این پروژه است.

مبین درپور

فراخوان «نمایشنامه‌نویسی و ترجمه‌نمایشنامه»

چهارمین دوره رویداد «عنوان ۴» با محوریت نمایشنامه‌نویسی و ترجمه، ویژه نویسندگان و مترجمان ۱۷ تا ۳۰ سال منتشر شد. محمدنباتی، دبیر این رویداد، تأکید کرد هدف اصلی شناسایی استعدادهای نو در حوزه نمایش است. داورانی چون ایوب آقاخانی و آرمان طایران آثار منتخب را انتخاب خواهند کرد. مهلت ارسال آثار تا ۱۹ آبان ۱۴۰۴ است و نتایج نهایی در روز ۱۰ بهمن ماه اعلام می‌شود. تمامی مراحل رویداد به‌صورت آنلاین برگزار می‌شود و آثار برگزیده در نشر «عنوان» منتشر خواهد شد.

افتخار به میراث فروشی؟

نقدی بردفاع عجیب وزیر میراث فرهنگی از ثبت جهانی و مشترک مثنوی مولوی باکشورهای ترکیه و افغانستان درگفت وگو با دکتر جواد محقق نیشابوری استاد زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر ادبی



محمد بهبودی نیا culture@khorasannews.com

خردادماه ۱۳۹۵ بود که خبرگزاری ایسنا با تیتَر «مثنوی مولانا ثبت جهانی می‌شود» از توافق ایران و ترکیه برای ثبت مشترک مثنوی معنوی در فهرست حافظه جهانی یونسکو خبر داد. در آن زمان، سیدرضا صالحی امیری که مسئولیت «مشاور رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی» را برعهده داشت، از توافق ایران و ترکیه برای ثبت «مثنوی مولوی» به‌صورت مشترک خبر داد و مولانا را یکی از نقاط مشترک فرهنگی ایران و ترکیه دانست. این در حالی است که پس از انتشار این خبر انتقادات و اعتراضاتی به این اقدام مطرح شد. برخی از صاحب‌نظران معتقد بودند که ثبت مشترک مثنوی معنوی با کشورهایی که سهمی در زبان اثر ندارند، می‌تواند موجب تضعیف جایگاه زبان فارسی در میراث جهانی شود. استدلال اصلی آن‌ها این بود که زبان اثر، ترکی نبوده بلکه فارسی است و باید به نام کشورهای فارسی‌زبان ثبت شود. اکنون، پس از گذشت چند سال، صالحی امیری روز گذشته بار دیگر در مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی،

در مراسمی رسمی به این موضوع پرداخته و از این ثبت مشترک دفاع کرده است. او گفته است: «ما سال ۱۳۹۵ مثنوی مولانا را به‌عنوان میراث مشترک ایران، ترکیه و افغانستان ثبت کردیم. خیلی‌ها به ما اعتراض کردند که چرا تلاش داریم مشترک با کشورهای همسایه ثبت کنیم؛ یک‌سخن داشتیم که امروز بعد از یک دهه آن را تکرار می‌کنیم؛ شمس و مولانا متعلق به ایرانیان و جهانیان هستند و متعلق به یک نقطه خاص نیستند.» این سخنان در حالی مطرح می‌شود که همچنان بسیاری از پژوهشگران معتقدند ثبت آثار فارسی‌زبان باید با محوریت ایران انجام گیرد و شفاف‌سازی درباره تفاهم‌نامه‌های فرهنگی از سوی نهادهای مسئول ضروری است. ثبت مثنوی، اگرچه می‌تواند نماد همگرایی فرهنگی باشد، اما نباید به قیمت کم‌رنگ شدن نقش زبان فارسی و آثاری که به این زبان تولیدشده در میراث جهانی تمام شود. برای بررسی ابعاد بیشتر این ماجرا با دکتر جواد محقق نیشابوری، استاد زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر ادبی، گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

رد پای سهراب در شعر تاجیکستان

به مناسبت تولد سهراب سپهری، نگاهی گذرا به جایگاه این شاعر ایرانی در کشورهای فارسی زبان و به ویژه تاجیکستان داشته‌ایم

نزاع است. او میان ادیان الهی هیچ تبعیضی قائل نیست، انسان‌ها را گذشته از نژاد و زبان و مذهب و جغرافیای زندگی‌شان در یک پایه می‌بیند و به آن‌ها عشق می‌ورزد. رسالت خویش را از شاعری همین می‌داند که بذر محبت در دل‌ها بکار د و از انسان‌ها بخواهد: آب را گل نکنیم! که این شعر در حقیقت منشور سپهری است که گویا تمام درد دلش را در آن ریخته است: آب را گل نکنیم: «در فرودست انگار، کفتری می‌خور د آب / یا که در بیشه دور، سیرهای پر می‌شوید. یا در آبادی، کوزه‌ای پُر می‌گردد. / آب را گل نکنیم / شاید این آب روان، می‌رود پای سیداری تا فرو شوید اندوه دلی...»

سپهری با اکثر مکاتب شرقی و غربی، باور‌ها، جهان‌بینی و آرای و اندیشه‌های بزرگان جهان آشنایی کامل داشت و از آن‌ها چنان کار می‌گیرد که به سختی می‌توان تشخیص داد که او نماینده کدام مذهب و آیین است؛ در عینی که به مسلمان بودن خود اشاره دارد: «من مسلمانم / قبله‌ام یک گل سرخ / جانم‌از چشمه، مهرم‌نور...»

اعتدال‌گرایی در شعر نیمایی

در شعر او مجموعه‌ای از بهترین مضامین و آرایه‌های شعر فارسی جمع آمده‌اند، تو گویی از همه شعرا بهترین نمونه‌ها را برگزیده‌اند و آن را در پیمانه شعر او یک‌جا ریخته‌اند. این است که شعرش شیرین، گوش‌نواز، دلنشین و ماندگار است و خواننده را زود به خود جذب می‌کند. شعرش مرز‌ها را درنور دیده و بیرون از جغرافیای ایران کنونی است و در دل خاص و عام، ما و ا گزیده است، چون مخاطب او بشر خاصی نیست، او حد و سطر را هدف قرار داده و پیامش را بیشتر به سوی آنان نگرانیده است.

نظر شما درباره صحبت‌های اخیر وزیر میراث فرهنگی و گردشگری درباره موضوع ثبت جهانی مثنوی به نام ایران، افغانستان و ترکیه چیست؟

من اطلاع دقیقی درباره جزئیات این ثبت جهانی ندارم و متن این بیانیه یا تفاهم‌نامه را نیز ندیده‌ام؛ بنابراین فعلاً ترجیح می‌دهم درباره آن اظهار نظر قطعی نکنم. اما در صورت انجام چنین رخدادی، نقش کشور‌های مختلف باید به‌وضوح مشخص شود. در مورد کشور ترکیه و رابطه آن با مولوی دو گزاره می‌تواند در ثبت مشترک ی بیاید؛ یکی این که آرماگه او آن جاست و یکی دیگر این که یکی از نسخه‌های خطی معتبر مثنوی معروف به نسخه قونیه در آن سرزمین استنساخ شده و آن‌جا هم نگهداری می‌شود. همین دو گزاره می‌تواند نقاط اتصال این ثبت جهانی مشترک باشد. اما اگر خود مثنوی به‌عنوان یک متن فارسی که در حوزه تمدنی ایران و با سبک زبانی مولوی که خراسانی است بخواهد متن مشترک باشد با زبان و فرهنگ رسمی و تاریخی کشور ترکیه همخوانی و مناسبت ندارد. آیشخور افکار و اندیشه‌ها و زبان مولانا و مثنوی ایرانی و فارسی است. این رانمی‌شود به اشتراک گذاشت و در یک سند رسمی تأیید و تثبیت کرد.

پس بهتر است ابتدا عین متن مورد تفاهم در اختیار ما قرار گیرد و ببینیم این ثبت مشترک با چه جملات و عباراتی تنظیم‌شده است. آن وقت امثال من می‌توانیم دقیق‌تر اظهار نظر کنیم. درباره افغانستان، هم به‌خاطر زبان مشترک و هم بلخ که مسقط الرأس مولاناست این امر شایسته است و حتی می‌توان تاجیکستان را هم به آن افزود. این‌ها کشور‌های حوزه تمدنی زبان فارسی هستند و سختی‌با موضوع دارند. بی‌تردید همه ما با جهانی بودن و جهانی شدن اندیشه‌های مولانا جلال الدین بلخی موافقیم اما درباره این که اثری که به زبان فارسی نوشته شود، در دنیا به نام کشوری دیگر معرفی شود جای تأمل دارد.

لطفاً در سالروز تولد این شاعر بزرگ فارسی‌زبان، درباره خدمات مولانا به زبان فارسی نیز مختصری برایمان توضیح دهید.

مولانا برای معرفت بشری حرف‌های زیادی برای مردم جهان دارد. اواز گذرگاه یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای تمدن اسلامی –ایرانی، یعنی عرفان و تصوف ایرانی، به پایگاه والا یی رسید. مولانا توانسته انسان را به ما هو انسان و خارج از موقعیت زمان و مکان و به ما بشناساند. این شاعر والا مقام به بسیاری از مسائلی که روح انسان با آن مواجه است و تمام دغدغه‌های انسانی، فارغ از هر زمان و نسلی، در مثنوی اثر جاودانه خود پرداخته است. انسان در طول تاریخ همیشه پر سش‌های مشترکی داشته است؛ پرسش‌هایی چالش‌برانگیز که او را به جست‌وجوی پاسخ منطقی و هماهنگ با روح و روان خود تحریض می‌کند. مولانا به این سؤالات به بهترین شکل ممکن پاسخ داده و خوشبختانه این پاسخ‌ها به زبان فارسی است. او به معنی واقعی با این کار درخت پرشاخ و برگ فارسی را که فردوسی را به‌عنوان یک نهال کاشته، تناورتر کرد. این مایه افتخار ماست که این چنین کتابی به زبان فارسی است. اگر مولوی در مثنوی بر خلاف فردوسی از کلمات عربی نیز استفاده کرده، نباید نگران بود؛ زیرا او ماهیت این کلمات را از عربی به فارسی تغییر داده است. نگران این نباید بود که این کلمات ماهیت اصلی زبان را تغییر داده‌اند، زیرا زبان فارسی همچون یک خانواده بزرگ است که شاخه‌ها و ریشه‌های گوناگون دارد و هر کدام به‌طور مستقل رشد کرده‌اند. این زبان قوی و توانمند توسط افرادی مثل مولانا تثبیت‌شده است. سعدی نیز قبل از مولانا نقش مهمی در این تثبیت داشت اما هر کدام از جهتی این درخت را تناور و پربر و بار کرده‌اند.



تاجیکستان، ازبکستان، به نحوی که سال ۲۰۰۲ نظر به نوشته روزنامه اطلاعات (۹ مرداد ۱۳۸۱) ترجمه صدای پای آب به زبان ازبکی توسط نرگس شاه‌علی‌آوا کتاب سال در این کشور عنوان گرفت. در تاجیکستان معروف‌ترین شاعران بازار صابر، عسکر حکیم، دارنجات، فرزانه خجندی، آذرخش، عبدالجبار سروش، نورعلی نوزادو... به‌او شعر بخشیده‌اند و یا از آثار او جهت خلق منظومه‌ها الهام و تأثیر گرفته‌اند.

شعر سهراب در عین صمیمی بودن و زمینی، لایه‌هایی از فلسفه و عرفان دارد و پیام شعرش صلح و محبت، همبستگی انسان‌ها و دوری از خشونت و

ثبت نام ۴۸ هزار هنرمند

در بیمه تکمیلی صندوق هنر

فرایند ثبت‌نام بیمه تکمیلی در مان صندوق اعتباری هنر برای سال ۱۴۰۴ -۱۴۰۵ پایان یافت. بیش از ۴۸ هزار نفر از اصحاب فرهنگ، هنر، رسانه و فعالان قرآنی در این طرح ثبت‌نام کردند. طرح «آرامش» بیشترین استقبال را با بیش از ۳۹ هزار ثبت‌نام داشته است. استان‌های تهران، البرز و اصفهان بیشترین تعداد ثبت‌نام کنندگان را دارند. ۷۹ درصد ثبت‌نام‌ها از طریق پیام‌رسان اختصاصی صندوق انجام شده و خدمات درمانی از اول مهر ۱۴۰۴ آغاز می‌شود.

